

## احیای تمدن ایرانی اسلامی از رهگذر تولید مادی و معنوی با بررسی

### نقش بنیان‌های فکری شیعی در فراز و فرود تمدنی

ناصر مقدم<sup>۱</sup>

#### چکیده

با وجود فراوانی پژوهش‌هایی که ارتباط دوسویه‌ی اهل تصوف و گروه‌های فقیانی را، با سازوکار تولیدی در قالب اصناف مورد توجه قرار داده‌اند، اما منابع در خصوص تأثیر مذهب شیعه در ساختار و روابط سازمان‌های تولیدی پس از اسلام، جز اشارات مختصر چندان غنی نبوده‌اند. مقاله حاضر که به شیوه‌ی تاریخی-تحلیلی به انجام رسیده است، تلاش دارد با تکیه بر شواهد ملموس، اولاً سهم عمده‌ی مبانی فکری شیعه در شکل‌گیری و پویایی ساختار سازمانی اصناف و بخصوص سازوکار تولید آثار صناعی و هنری را مشخص نماید؛ در ثانی، با تبیین مبانی بنیادین فکری این مذهب، نشان دهد که چگونه مفاهیم اساسی تفکر شیعه چون ولایت و امامت، تقلید، عدالت، محبت و نیز تقیه، به ترتیب در قالب‌هایی چون ساختار سلسله‌مراتبی استاد-شاگردی و استادان معنوی، رویکرد مبارزاتی و حق‌طلبانه، همبستگی و حمایت و رازآموزی بازتولید شده‌اند. چنین برهم‌کنشی، در یک دوره چند صدساله، سرانجام در کارگاه‌های تیموری و اوایل دوران صفوی سبب‌ساز شکوفایی خیره‌کننده در کمیت و کیفیت آثار تولید شده و همکاری و هماهنگی اعجاب‌انگیز درون‌گروهی و درون‌سازمانی گردید. با وجود این، ضعف کار گروهی از اواخر سده دهم هجری و در پی تقابل حکام صفوی با هر گونه گروه‌بندی اجتماعی مرکزگرای از طریق رسوخ و تخریب بافت اجتماعی خودبنیاد توسط نوعی دیوان‌سالاری توسعه‌یابنده در قالب شبکه‌ای از سپاهیان و صنوف سازمان‌یافته دولتی، دچار افت چشمگیری گردید که به نحوی تا به امروز ادامه یافته است. پیشنهاد پژوهش پیش رو به منظور احیای همکاری‌های درون‌گروهی شامل به-کارگیری تیم‌های فعال خودجوش، حمایت از رهبری تیم‌ها، به رسمیت شناختن ارزش‌های درون‌گروهی تیم‌ها و هویت‌بخشی به آنها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تفکر شیعی، اصناف، فتوت، تولید آثار صناعی و هنری، دوران تیموری و صفوی

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد انیمیشن، مدرس دانشگاه هنر اسلامی تبریز: moghadam\_n58@yahoo.com

## پیشینه پژوهش

ویلم فلور<sup>۱</sup> پژوهشگر هلندی، برنارد لويس<sup>۲</sup>، آنا کوزنتسوا<sup>۳</sup> و ایلینا پتروشفسکی<sup>۴</sup>، از جمله پژوهشگرانی بوده‌اند که در زمینه وجود، ماهیت و ویژگی‌های گروه‌های صنفی در ایران کار کرده‌اند؛ به ویژه دانشمند اخیر، پژوهش‌هایی را در زمینه خاستگاه اصناف و گروه‌های فنیانی به انجام رسانده است. ارتباط بین تصوف و اهل فتوت از یک طرف و اصناف و سازمان‌های اقتصادی از طرف دیگر، موضوع تحقیق کسانی چون لویی ماسینیون<sup>۵</sup>، هانری کربن<sup>۶</sup> و عبدالحسین زرین-کوب بوده است. با وجود این، منابع اندکی در رابطه با ارتباط تشیع با سازوکار صنفی وجود دارد. اشارات مختصری دال بر وجود این ارتباط را می‌توان در برخی از آثاری که در زمینه فتوت‌نامه‌ها پدید آمده‌اند ملاحظه نمود. مجموعه‌ای از مقالات که به کوشش سید حسین نصر تنظیم گردیده است، ارتباط برخی از جنبه‌های تشیع چون امامت و تقیه را، با نظام سلسله‌مراتبی و رمزآموزی در سازمان‌های متصوفه، مورد تأکید قرار می‌دهد.

## مقدمه

بسیاری از کوشش‌هایی که در تبیین ارتباط و اتصال بین تشیع و تصوف و این آخری با فتوت صورت گرفته است به گونه‌ای خودکار زمینه را برای گشایش باب تحقیق درباره‌ی ارتباط تشیع با سازوکار صنفی گشوده است، زیرا که به اذعان بسیاری از محققان (زرین کوب، ۱۳۸۳، ریاض، ۱۳۸۹، Nasr 1972)، فتوت پیش‌زمینه‌ی پدیداری فعالیت‌های صنفی بوده است. از این رو و در یک رابطه‌ی ساده‌ی منطقی و با لحاظ تقدم تاریخی ظهور تشیع، باید که بتوان ارتباط روشنی را مابین تفکرات شیعی و ماهیت نظام صنفی تولید، نشان داد. با این حال، ترسیم ابعاد چنین رابطه‌ای، بدواً مستلزم پاسخ به این پرسش است که چگونه و تحت چه شرایطی تفکرات شیعی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ای که اکثریت آن تا چندین سده پس از اسلام پیرو اهل سنت بودند، نزع یافته است.

در پاسخ می‌توان گفت؛ فارغ از مباحث کلامی و فقهی در باب حقانیت شیعه یا اهل سنت، تشیع در بستر تاریخی و جغرافیای خود، با جذب و ادغام بسیاری از دغدغه‌ها و مطالبات ملل غیر عرب (بخصوص ایرانی) در تحصیل عدالت و برابری و نیز سازوکارهای غیرسامی و غیرعربی مشروعیت بخشی و کارآمدی، که ریشه در فرهنگ کهن ایرانی داشته است به تدریج توانست نوعی از الگوی همه‌جانبه‌ی زندگی را در بر بگیرد که علیرغم اینکه در اقلیت بود، ولی عملاً در عمیق‌ترین سطوح زندگی ایرانیان (چه حنفی و چه شافعی) رسوخ و نفوذ کرد.

سیاست برتری بخشی عرب به عجم، خیلی زود و مدت زمان کوتاهی پس از وفات پیامبر اسلام (ص) و از زمان خلیفه دوم آغاز شد (زیدان، ۱۳۵۲، ۶۷). عموماً در تشریح این تبعیض‌ها به مباحث حقوقی چون جزیه، مالکیت، ازدواج و ... پرداخته می‌شود؛ آنچه که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پدیداری شکاف عمیقی بود که بر مبنای شکل زندگی، بر بنیاد جغرافیا و سیاست سرزمینی، پدید آمد. زندگی در سرزمین‌های کهنی چون عراق، ایران و مصر از هزاره‌ها قبل بر بستر وابستگی به زمین و کشت و زرع بنا گشته بود؛ شواهد خوبی از شکل‌گیری شهرها بر بنیاد بازار، از اواخر دوره

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

هخامنشی و اوایل اشکانی در دست است (کالج، ۱۳۹۱)؛ گسترش بازرگانی و شکل‌گیری جاده‌ی ابریشم در مسیر امپراتوری‌های بزرگی چون هان، گوپتا، اشکانیان و روم، وجه دیگری را به معادلات سرزمینی نجد ایران افزود و آن تولید و تجارت کالا با محوریت بازار بود.

اقتصاد متکی بر بازار، طبیعتاً نوعی از سازمان‌های اجتماعی متفاوت با ساختار قبیله‌ای - فئودالی و حتی خویشاوندی را طلب می‌کرده است. ماسینیون معتقد است، اصناف در دوره اسلامی **تداوم** تشکیلات صنفی شهر مداین بودند (به نقل از کربن، ۱۳۶۳، ۱۶۷). محققان دیگر، تلاش نموده‌اند ردپای تشکیلات صنفی در ایران پیش از اسلام را، با اتکا به منابع ادبی و دینی بیابند.<sup>۷</sup>

با تسلط اعراب بر ایرانیان، دو شیوه‌ی زندگی در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند. اندکی بعد و با روی کار آمدن دولت بنی‌امیه تعصبات نژادی نیز بر حجم تقابل‌ها افزود. اعراب اگرچه در گذر زمان به ساختار پیچیده‌ای از زندگی قبایلی دست یافته بودند اما، زندگی و فعالیت‌های مرتبط با شهر را در نمی‌یافتند.<sup>۸</sup> تا بدان‌جا که در تاسیس شهرهایی چون کوفه و بصره تنها به جنبه‌های نظامی آنها توجه نمودند و حتی خیلی بعدتر - و در زمان عباسیان - بغداد بدون بازار بنا شد، به طوری که خلیفه منصور، در سال ۱۵۷ ه.ق مجبور شد محله‌ی الکرخ را در جنوب بغداد - به عنوان بخش اقتصادی آن - به شهر اضافه نماید (Lassner، ۱۹۷۰، ۱۰۳-۱۱۸).<sup>۹</sup>

اولین جلوه‌ی این تضادها در ظهور فرقه‌ها خود را نشان داد. بحث‌های طولانی مدت فقهی درباره‌ی ماهیت فرقه، نگاه‌ها را از جنبه‌های اجتماعی آنها دور کرده است. اگرچه اولین اختلافات مذهبی از مدینه و در میان خود صحابه آغاز گردید اما، رویارویی‌های بعدی علاوه بر این که نشان‌دهنده‌ی سطوح عمیق‌تری از تضادها بود، قلمرو جغرافیایی وسیع‌تری را در برمی‌گرفت. از مجموع هفتاد و دو فرقه‌ای که ابومنصورالبغدادی فهرست نموده است، نزدیک به چهل فرقه در سرزمین‌هایی ظهور کرده که فرهنگ غیر عربی (عجم) در آنها حاکم بوده است (البغدادی، ۱۳۳۳، ۱۳۰-۱۱). عراق، خوزستان، ری، کاشان و خراسان از جمله‌ی مناطق شهری بوده‌اند که ظهور و نزج فرقه‌ها در آنها بیش از مناطق دیگر می‌باشد. اگرچه جنبه‌های الحادی بسیاری از این فرقه‌ها، جای دفاع از آنها را باقی نمی‌گذارد؛ با وجود این، چنین رابطه‌ای نشان می‌دهد که چگونه ملل غیر عرب با دست یازیدن به تاویل‌ها و تفسیرهای دیگرگون از دین رسمی، سعی در مبارزه با خلافت تبعیض‌گر اموی و عباسی از یک طرف و ایجاد همبستگی و همدلی درون‌گروهی، از طرف دیگر داشته‌اند.

## ۱. بر آمدن اصناف از دل تصوف و آیین‌های فتنانی

هستند محققانی که معتقدند اساساً صحبت از وجود اصناف در تمدن اسلامی بی‌مورد است. تکیه‌ی این پژوهشگران عمدتاً بر مقایسه‌ی سازمان‌های صنفی اروپایی در قرون وسطی (Guilds)، با موارد مشابه در خاور نزدیک استوار است. گوپتین معتقد است: اگر در تمدن‌های اسلامی اصناف به معنای واقعی وجود می‌داشتند، دست‌کم باید نامی و عنوانی مشخص برای آنها ذکر می‌شد<sup>۱۰</sup> (به نقل از کیوانی، ۱۳۹۲، ۵۲-۵۱). در تعریفی که فیلیپ آریه از اصناف اروپا

در قرون وسطی ارائه می‌دهد (۷۲-۷۳، ۱۹۶۲، Aries)، علیرغم وجود شباهت‌های جالبی چون سازوکار استاد-شاگردی اما، تفاوت‌های بارزی را نیز در ساختار و سازمان آنها - با آنچه در سرزمین‌های اسلامی وجود داشته است- می‌توان یافت.

چنین تحلیلی البته، تا آنجایی صحیح است که نقش گروه‌های اجتماعی چون: اهل تصوف و فتوت، در سازوکار اقتصادی در نظر گرفته نشود. حقیقت آن است که در ایران، جای خالی اتحادیه‌های سازمان یافته اقتصادی شهری را در دوره‌های طولانی (حداقل در سده‌های اول پس از اسلام)، همین سازمان‌های نیمه‌رسمی پر می‌کرده‌اند. هجویری از ۶۰ تن از شیوخ تصوف نام می‌برد که ۱۵ تن از آنان در بازار مشغول کسب و کار بوده‌اند (به نقل از زرین کوب، ۱۳۸۳، ۷۳-۷۲)؛ حلاج فرزند پنبه‌زن و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر زاده‌ی یک عطار بود. طبیعتاً گرویدن شیوخ به کسب و کار، سبب‌ساز پیوستن باقی اعضای حلقه به فعالیت‌های اقتصادی می‌شده است.

به نظر می‌رسد، بحث درباره سهم اثرگذاری فتوت یا تصوف بر فعالیت‌های صنفی یا تقدم یکی بر دیگری، چندان سازنده نباشد. چه، ظاهراً هر یک از این دسته‌بندی‌ها به اضافه فرقه‌های مذهبی، در یک تعامل همبسته و با هدف ایجاد اتفاق در مقابل حکام جور و بیگانه به منظور بقا و بهبود شرایط زندگی فعالیت می‌کرده‌اند. با این حال، نقش فتوت در این میان اندکی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. یک از آن جهت که منحصرأ یک سازمان شهری بود<sup>۱۱</sup> و در ثانی با تکیه بر پیشه‌وران و طبقات محروم، جنبه‌های عدالت‌خواهانه پررنگتری داشت<sup>۱۲</sup>. مضاف بر اینکه چنین گروه‌هایی، با تدوین مرام‌نامه‌های مدون، در جهت هرچه سازمان‌یافته‌تر شدن فعالیت‌هایشان تلاش می‌نمودند.

با این احوال، برخی پژوهشگران از شکل‌گیری نوعی از فعالیت‌های صنفی از سده سوم هجری به بعد، خبر می‌دهند (ماسینیون، به نقل از کرین، ۱۳۶۳، ۶۳؛ پطروشفسکی، ۱۳۶۰، ۵۷۰). استناد این پژوهشگران بر گزارشات نویسندگانی چون ابن بطوطه (سفرنامه)، ناصر خسرو (سفرنامه) و خواجه نظام الملک (سیاست‌نامه)، مبتنی است. ماسینیون شکل-گیری سازمان‌های کارگری را در سده‌ی سوم هجری مرتبط با نهضت نیمه‌اجتماعی-نیمه‌مذهبی قرمطی می‌داند (به نقل از کیوانی، ۱۳۹۲، ۴۱).

در سال ۵۴۷ ه.ق و در پی مرگ مسعود سلجوقی و درآمدن ناصرالدین خلیفه عباسی به کسوت فتوت، فشار و سخت‌گیری بر جوانمردان و اهل تصوف کمتر شد (الشیخلی، ۱۳۶۲، ۱۳۶)؛ این در حالی است که پیش از آن، هم خلافت عباسی و هم حکومت‌های غزنوی و سلجوقی به گونه‌ای سازمان یافته، با هرگونه فعالیت‌های متشکل مرکزگریز، از گروه‌های فتنانی و صوفی گرفته تا فرقه‌های رافضی، به جد مقابله می‌کردند (زیدان، ۱۳۵۲، ۶۶-۵۸).

## ۲. شکوفایی فعالیت صنفی و گروهی در دوران تیموری و اوایل دوره صفوی بر بستر تفکرات شیعی

ظاهراً باید تجلی مبانی فکری و عقیدتی شیعی در شئون اجتماعی را، بیش از همه مقارن و مصادف با استقرار حاکمیت شیعی صفوی دانست؛ با وجود این، چنین پنداری قرین صدق نیست. چه، در مقابل هرچه پایه‌های دیوان-

سالاری دولت صفوی مستحکم‌تر گردید، نشانه‌های تفکرات راستین شیعه از دل جامعه رخت برپست؛ این در حالی است که اوج چنین امتزاجی را نه در برپایی دولت صفوی، بلکه پیش از آن و در دوران تیموری می‌توان مشاهده نمود.

از آنجا که عمده‌ی منابع پژوهشی تکیه بر روایات و گزارشات درباری دارد، قلت شواهد در باب فعالیت‌های خارج از دربار، سبب شده است که اظهار نظر در این باب با نوعی احتیاط همراه باشد. با وجود این، از لابلاهی سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌ها می‌توان دریافت که علی‌رغم عدم یکپارچگی سیاسی در این زمان، چگونه فعالیت‌های اقتصادی و به‌ویژه تولیدات هنری، رونق چشمگیری یافته است؛ گزارش‌های متعدد از شکل‌گیری تولیدات هنری تجاری در شهرهایی چون شیراز و صدور آثار به کشورهای مثل هند و ترکیه عثمانی، موید این مطلب است (رابینسون، به نقل از پاکباز، ۱۳۸۶، ۷۰). ابوالعلاء سودآور به نقل از بدایع القزوینی، در مورد رونق هنر کتاب‌نگاری در شیراز می‌نویسد «... در این شهر در هر خانه، زن کتابت می‌کند و شوهر به تصویرگری مشغول است؛ دختر مذهب و پسر کار جلدسازی را بر عهده دارد ... در شیراز هزار نسخه‌ی تصویری در یک سال امکان پذیر است» (۲۴۲، ۱۹۹۲، Soudavar). آدام اولثاریوس که در اواخر قرن دهم به ایران آمده است در خاطرات سفرش می‌نویسد که در ایران چند هزار نسخه بردار کتاب وجود دارد که روزگارشان را از نسخه برداری کتاب می‌گذرانند (به نقل از مردانوف، ۱۳۸۷، ۴۷).

در مقابل، مدارک معتبری از فعالیت‌های کارگاه‌های درباری وجود دارد. بررسی اسناد به‌جای مانده حاکی از تعالی بی‌سابقه‌ی کار گروهی می‌باشد. به‌خصوص اوج این هماهنگی و رونق را در کارگاه و کتابخانه سلطان حسین بایقرا در هرات می‌توان مشاهده نمود. در سند عرضه‌داشت جعفر تبریزی به بایسنقر میرزا از ۲۲ پروژه هنری همزمان صحبت به میان می‌آید (آژند، ۱۳۹۱، ۵۱). این سند که یکی از معتبرترین و ارزشمندترین مدارک موجود در زمینه سازوکار تولید آثار هنری است، به تفصیل مراحل مختلف هر پروژه و فعالیت انجام شده و در حال انجام را ذکر می‌کند. هنرمندان کارگاه هرات حتی پس از سلطه صفویان نیز به کار خود ادامه می‌دهند.

اگرچه حملات مغولان سبب ویرانی اکثر شهرهای ایران گردید و گسستگی عمیقی را در تاریخ اجتماعی ایران سبب شد، با وجود این، جامعه شهری ایران، به تدریج و با اتکا به سده‌ها آزمون بقا در برابر بیگانگان، بار دیگر توانست با تکیه بر گروه بندی‌های دینی، آیینی و اقتصادی، خود را بازسازی کند. بی‌شک دوره ایلخانان و تیموریان عصر مهمی در به ثمر نشستن عقاید و مبانی فکری شیعی در شئون اجتماعی بود؛ زیرا نه مغولان و نه تاتارها هیچ‌یک، تعصب خلفای عباسی و ترکان تابعه‌ی آنان را نداشتند؛ تا آنجا که در کتاب قوانین "تزوکات تیموری" که منسوب به تیمورلنگ است، مرثیه‌ی آل محمد و احترام به آنان، از هر امری مهمتر و برتر دانسته شده است (قریشی، ۱۳۴۲، ۲۰۲). در چنین فضای حاکی از تساهل و با تکیه بر سده‌ها فعالیت پیگیر و منظم، به تدریج باورهای شیعی در بافت زندگی اجتماعی رسوخ نمود<sup>۱۳</sup>. این در حالی است که به گواهی اسناد، در تمام این دوران و حتی در زمان به قدرت رسیدن صفویان اکثریت مردم نجد ایران بر مذهب اهل سنت بودند<sup>۱۴</sup>. این فضای فرهنگی اشباع شده از گرایش‌های شیعی هر پژوهنده‌ای را به

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

شگفتی وامی دارد. برای نمونه کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که خود سنی بوده است، مشهورترین کتاب مرآتی سیدالشهدا، یعنی روضه‌الشهدا را در دوره‌ی تیموری به نگارش درمی‌آورد.

به منظور بررسی کم و کیف دخالت مبانی فکری شیعه در شکوفایی کار گروهی، لازم است که ویژگی‌ها و خصائص گوناگونی که در فتوت‌نامه‌ها، عهدنامه‌ها و عرضه‌داشت‌ها آمده‌اند، در چند ویژگی بنیادین به ترتیب زیر خلاصه نماییم:

۱. اهمیت بخشی و تاکید بر کسب‌وکار؛

۲. نظام سلسله مراتبی استاد- شاگردی با محوریت استادان معنوی؛

۳. تاکید بر نوعی رازآموزی در شیوه‌های آموزشی و تربیتی؛

۴. تاکید بر همبستگی درون گروهی در مقابل غیر، با تکیه بر روابط خویشاوندی؛

۵. رویکرد مبارزاتی و حق طلبانه و حمایت و دستگیری از ستم‌دیدگان.

۱-۲- اهمیت بخشی و تاکید بر کسب‌وکار؛ از زمانی که دولت سلجوقی و خلافت عباسی به رسمی کردن گونه-

ای از تصوف فردی، عزت‌نشین و غیر اجتماعی اقدام نمودند و کمر به حذف دیگر گونه‌های فعالیت‌های جمعی بستند، انفعال این گروه‌ها آغاز گردید. حملات مغولان نیز مزید بر علت شد و نحله‌های گوناگون شیعی، از جمله اسماعیلیان که نقش مهمی در فعالیت‌های اجتماعی داشتند، به اجبار به تشکیلات زیرزمینی روی آوردند (۱۱۵، ۱۹۷۲، Nasr) و عملاً اهمیت خود را از دست دادند. از این پس تشیع نقش پررنگ‌تری پیدا کرد و عملاً جای تصوف و فتوت را در فعالیت‌های اجتماعی گرفت. بسیاری از عالمان شیعی لقب صوفی، متالهه و عارف گرفتند و به قول سید حیدر عاملی که خود پیش از تیموریان می‌زیست: «هر شیعه‌ی راستینی یک صوفی و هر صوفی راستین یک شیعه» شد<sup>15</sup> (Ibid).

در این زمان که فردگرایی فراگیر شده بود، تشیع نیروی برانگیزاننده‌ای بود. در سده‌های قبل، اشرافیت عرب که کسب‌وکار را متعلق به غلامان و موالی می‌دانستند، با نفوذ در بدنه‌ی حاکمیت طبقه‌ی اعیان جدیدی، متکی بر موالی پدید آورد؛ با وجود این بزرگان شیعه از همان ابتدا اهل کسب‌وکار بودند: میثم تمار خرمافروش بود و سلمان فارسی، حتی در زمانی که از طرف خلیفه دوم امارت مدائن را برعهده داشت، از راه سبذبافی امرار معاش می‌کرد و امام علی (ع) برای کار در نخلستان اجیر می‌شده است (زرین کوب، ۱۳۸۳، ۷۶). این در حالی است که بسیاری از صحابه (از مهاجر و انصار) به مدد فتح سرزمین‌های جدید، صاحب مال و املاک فراوانی شدند و جز اندکی از آنها، بقیه زندگی ساده‌ی گذشته را ترک نمودند. غیر از بزرگان شیعه، معدود افرادی چون خلیفه اول ابوبکر بودند که حتی بعد از خلافت هم پیشه‌ی قبلی خود را ادامه دادند<sup>16</sup>.

۲-۲- تکیه بر سلسله مراتب استاد- شاگردی، با محوریت استادان معنوی؛ در نظر اغلب گروه‌های اجتماعی که پس از اسلام پدید آمدند هیچ‌کس به کمال نمی‌رسید مگر اینکه به شیخ معتبری اقتدا می‌نمود. این عقیده هم در میان اهل تصوف و فتوت و هم انجمن‌های صنفی و حتی فرقه‌هایی چون قرمطیان اسماعیلی رواج داشت (زرین کوب، ۱۳۸۳، ۷۳). تاکید بر نظام سلسله‌مراتبی، علاوه بر اینکه باعث قوام بنیان گروه‌های اجتماعی می‌شد، سازوکار آموزشی را نیز تسهیل و تضمین می‌کرد. این سلسله مراتب که از شاگرد آغاز می‌شد، در نهایت به قطب‌های معنوی خاتمه می‌یافت که اغلب از پیامبران و امامان شیعه بودند. تقریباً تمام سلسله‌های فتوت به علی(ع) ختم می‌شدند (ریاض، ۱۳۸۹، ۳۰). در تصوف نیز تنها برخی سلسله‌ها مانند نقشبندیه، خرقة خود را به ابوبکر صدیق می‌رساندند و باقی همه منتسب به علی(ع) بودند (همان، ۳۴). چنین احترامی در میان فقیهان به حدیث معروف پیامبر(ص) یعنی «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» برمی‌گشت.

چنین سازوکاری، به گونه‌ای تنگاتنگ با مفهوم ولایت و امامت در مذهب تشیع همخوانی دارد. پوشیدن و انتقال خرقة به نحوی با تشیع مربوط می‌شود. در این باره حدیث معروف «کسا» و نیز احادیث مربوط به معراج پیامبر(ص)، که در آنها علی(ع) و خانواده‌اش از طرف پیامبر با پوشیدن خرقة صاحب ولایت می‌شوند بسیار تعیین‌کننده می‌باشند. امام در تشیع همان نقش پیر و مرشد در تصوف را دارد (۱۱۱ و ۱۹۷۲ و Nasr). در تصوف، هر استادی باید با قطب زمانه ارتباط داشته باشد که چنین سازوکاری با مفهوم امام زمان پیوند ماهوی می‌یابد (Ibid).

مضاف بر این، آموزش از طریق نظام سلسله‌مراتبی با مفهوم تقلید نیز انطباق می‌یابد. در تشیع، تقلید وسیله‌ای برای هدف غایی زندگی یعنی دستیابی به مقامات روحانی پیامبران و امامان است (Ibid, ۱۱۲). در آموزش استاد- شاگردی نیز، چنین هدفی غایت تربیت محسوب می‌شود. در فتوت‌نامه‌ی آهنگران آمده است که حرفه آهنگری به حضرت داوود(ع) ختم می‌شود. هر استادی که این آیین را به کار بندد، حضرت داوود از او راضی و کسب او حلال خواهد بود (افشار، به نقل از خزایی، ۱۳۸۳، ۱۹۸).

علاوه بر امام علی(ع)، سلمان فارسی و میثم تمار که از پیشوایان اصناف محسوب می‌شدند، بسیاری دیگر از یاران امام چون: کمیل بن زیاد، حذیفه یمانی، رشید حجری و ... هم از قطب‌های اولیه تصوف و اصناف به شمار می‌آمدند (۱۱۴، ۱۹۷۲، Nasr). فتوت‌نامه سلطانی، از چهار خلیفه‌ی منصوب امام علی(ع) نام می‌برد که بعدها از سرسلسله‌های معنوی فتوت و اصناف شدند<sup>17</sup> (ریاض، ۱۳۸۹، ۳۷). مضاف بر این، در دوران هشت امام اول شیعیان، بسیاری از سر سلسله‌های بعدی تصوف و فتوت از شاگردان و همراهان امام بودند؛ از آن جمله حسن بصری و اویس قرنی (از شاگردان امام علی(ع))، ابراهیم ادهم و بشر هافی و بایزید بسطامی (از شاگردان امام جعفر صادق(ع)) و معروف کرخی (از همراهان امام رضا(ع)) می‌باشند (۱۱۴ و ۱۹۷۲ و Nasr).

آشکار است که نقاشان هم صنف داشته‌اند. الذخایر التحف عبدالله بن عباس را پیر نقاشان و طراحان می‌داند (به نقل از آژند، ۱۳۹۱، ۱۴). الشیخلی، محمد بن عبدالله رسام را پیر همه‌ی نقاشان معرفی می‌کند (الشیخلی، ۱۳۶۲، ۵۶). از نظام سلسله‌مراتبی استاد- شاگردی در نقاشی و خطاطی ایران، از قرن هشتم شواهدی در دست است (آژند، ۱۳۹۱، ۲۱). دوست محمد گواشانی، از سلسله نقاشانی نام می‌برد که به احمد موسی (نقاش دربار ایلخانی) ختم می‌شوند. این سلسله‌ی استاد- شاگردی در تمام دوران تیموری و صفوی برقرار بوده است. از عرضه‌داشت‌هایی که از این دوران باقی مانده است می‌توان دریافت که هنرمندان چه احترام بی‌شائبه‌ای به استادان خود می‌گذارده‌اند. اوج این تکریم را در محفل امیر علیشیرنویسی می‌توان مشاهده نمود که بسیاری از هنرمندان، شاعران و دانشمندان تیموری (از جمله کارگاه و کتابخانه هرات) در آن حضور می‌یافتند. عبدالرحمن جامی- صوفی و شاعر نامدار- شیعی مذهب - آن عصر، بانی این انجمن بود (۸۵ و ۱۹۹۲ و Soudavar). اگرچه امرای تیموری، از جمله حسین بایقرا سنی و بر مذهب حنفی بودند و نیز امیر علیشیر خود از دراویش نقشبندی و در نتیجه سنی بود؛ با این حال، جامی آن‌چنان در سرزمین‌های شرقی جهان اسلام مورد احترام و وثوق بود که حتی سلاطین عثمانی نیز برای وی تحفه می‌فرستادند (Ibid). در این محفل، هنرمندان دیگری نیز حضور می‌یافتند که شیعه بودن آنان قرین صدق است: اجداد روح الله میرک همه از اولاد پیامبر بودند (Ibid, ۸۶) و هاتفی شاعر (که نسبتی هم با جامی داشت) بر آیین تشیع بود (۳۳، ۱۹۹۹ و Canby).

۳-۲ - تاکید بر رازآموزی در آموزش و تربیت؛ عقیده‌ی بسیاری از محققان بر این است که تشیع و تصوف، جنبه‌های باطنی و رمزی اسلام سنتی را، به روش‌ها و در سطوح مختلف در خود متبلور نمودند (۱۰۵، ۱۹۷۲، Nasr). فریتهوف شوان<sup>18</sup> معتقد است؛ شیعه و حتی بسیاری از اهل سنت، منبع علم باطنی را حضرت علی(ع) و پیش از او پیامبر(ص) می‌دانند و در این زمینه به حدیث مشهور «من شهر علم‌ام و علی دروازه آن» استناد می‌جویند (Ibid). همین‌طور در احادیث مربوط به معراج، آنچه از "سراالله" نقل می‌شود (صندوقی از نور با قفلی از نور)، برای علی(ع) تدارک دیده شده بوده است (۱۱۵-۱۰۹، Ibid). لویی ماسینیون معتقد است: «اساس دخول به هر یک از اصناف صنعتکاران مسلمان در شرق، از مصر تا هند، قبل از هجوم ماشینیسم، در مدت بیش از شش صد سال، بر پایه مجموعه‌ای از مراسم رمزی (سمبلیک) استوار بوده است» (ماسینیون، به نقل از خزایی، ۱۳۸۷ و ۱۸). یک جهت‌چنین رویکردی، به جایگاه نقاشی و هنرهای دیگر در گذشته برمی‌گردد؛ بدین ترتیب که تا اواسط قرن نوزدهم، بسیاری از هنرها - در کنار تاریخ و هندسه - شاخه‌ای از حکمت محسوب می‌شدند (Diba & Ekhtiar, ۱۹۹۸, ۵۰).

در آموزه‌های شیعه، چنین رازآموزی را به بهترین وجهی در مفهوم تقیه می‌توان یافت. فارغ از مباحث فقهی مربوط به آن، تقیه تقریباً از همان دوران اولیه‌ی شکل‌گیری تشیع، به عنوان روشی ایجابی در جهت حفظ و ترویج این مذهب به کار می‌رفته است. شاید بتوان پنهان‌کاری محمد حنفیه در قیام مختار را، به عنوان اولین نمونه‌ی بکارگیری این روش عنوان نمود؛ ولی بی‌گمان بارزترین جلوه‌ی چنین شیوه‌ای در دعوت و به قدرت رسیدن عباسیان به کار گرفته شد. از



## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آنجایی که هم دعوت عباسی و هم فعالیت‌های اسماعیلیان، با اتحادیه‌های صنفی پیوند خورده بود (زرین کوب، ۱۳۸۳، ۷۹)، می‌توان تصور نمود که چگونه این رازآموزی‌ها در سازمان‌های اقتصادی نفوذ و رسوخ کرده باشند.

در رسائل جوانمردان آمده است: « اهل فتوت در هنگام درآمدن به این آئین نخست باید که به وضو باشد و سپس توبه نصوح و نیز سر برهنه و مناجات با خدا (به دل) کند... بعد از آن در میان جوانمردان آید و سلام کند... کلماتی را به عربی قرائت نماید، سپس گوید استاده‌ام استغفار گناه بی منهی را و بندگی امر و نهی خدای تبارک و تعالی را، و متابعت سنت پاک و عدت و خلوت محمد مصطفی را... و تسلیم بیعت فتوت شیر خدا و عم‌زاده‌ی مصطفی و موصوف « هل اتی» امیرالمومنین علی مرتضی را» (زرکوب، ۱۳۶۳، ۱۹۴).

می‌توان تصور کرد که نقاشان نیز دارای چنین شیوه‌ی آموزش رمزی بوده‌اند. آنچه از سازوکار تربیتی خطاطان به جای مانده گواه این مطلب است؛ به ویژه رساله‌ای که سلطان‌علی مشهدی در این باره به رشته‌ی تحریر درآورده است بسیار راه‌گشاست؛ « آنان همچون فتیان برای فراگیری هنر خود، در اختیار استاد قرار می‌گرفتند و استادان علاوه بر هنر خطاطی، اخلاق و آداب ویژه‌ی آن را نیز به آنها می‌آموختند... استاد حتی به شاگرد راز و رمز باطنی حروف و نمادهای وابسته به آنها را یاد می‌داد و به او می‌آموخت که هر حرفی علاوه بر شکل و صورت ظاهری، بار و معنای باطنی هم دارد و او را با راز و رموز و سلوک باطنی خطاطی آشنا می‌ساخت» (آژند، ۱۳۹۱، ۷۶).

این شیوه‌ی آموزش و حفظ دانش اما، در سده‌های بعد به تدریج شکل افراطی به خود گرفت؛ به گونه‌ای که نه تنها صنوف، رموز کارشان را به غیر اهل صنف یاد نمی‌دادند (۵۵، ۱۹۹۸ و Diba & Ekhtiar)، بلکه حتی گاه استاد از شاگرد و پدر از فرزند دریغ می‌نمود<sup>۱۹</sup> (آژند، ۱۳۸۷، ۱۱۱). در چنین حالتی آموزش مبتنی بر رازآموزی و معنای باطنی تربیتی، تبدیل به حربه‌ای در جهت برتری‌طلبی و رقابت ناسالم قرار گرفت.

**۴-۲- تاکید بر همبستگی درون گروهی با تکیه بر روابط خویشاوندی؛** به طور کلی زندگی قبایلی بر نوعی پیرسالاری استوار است که در آن احترام و اهمیت افراد به افزایش سن و کهنسالی مرتبط است. زیدان خاطر نشان می‌کند که یکی از دلایل مهم پذیرش ابوبکر صدیق به خلافت، سن زیاد وی نسبت به بقیه صحابی بود (زیدان، ۱۳۵۲، ۴۱). این معنی از مفهوم واژه‌ی شیخ نیز برمی‌آید که در عربی در هر دو معنای پیر و نیز آقا به کار می‌رود (همان). مذهب تشیع از همان ابتدای پیدایش در تقابل با این سنت قد علم کرد. شاید بتوان برادر و جانشین نامیدن محمد(ص) علی(ع) را (در حالی که وی نوجوانی کم سن و سال بیش نبود)، از جمله اولین نمونه‌های چنین سنت‌شکنی عنوان نمود (مجلسی، ۱۳۶۴، ۷ ضمیمه)؛ از واکنش همراه با تعجب قریش به این مسئله می‌توان دریافت چگونه چنین امری مسبوق به سابقه نبوده است<sup>۲۰</sup>.

تقابل تشیع با سنت‌های قبایلی اعراب، در مسائل مربوط به روابط انسانی و خویشاوندی، تنها به پیرسالاری محدود نمی‌شد. سنت قبیله‌ای علاوه بر این، بر مردسالاری، مادرسالاری (در مقابل اهمیت زن)، اهمیت نسب پدری به جای مادر

و بهره‌کشی از بردگان و برخی دیگر از معیارها استوار بود. اگرچه اسلام - به‌طور کلی واکنشی بود بر علیه این قواعد؛ با این حال پس از سپری شدن سالهای آغازین، بار دیگر در حکومت بنی‌امیه زنده شدند. شواهد نشان می‌دهد که چنین دگرگونی بیش از همه در مذهب تشیع جمع و متبلور گردید.

این مسئله را می‌توان از تفاوت‌های مفهومی مابین "خلافت" و "امامت" به خوبی دریافت؛ در حالی که منصب خلافت در میان اعراب متکی به تقدم سنی بود، امامت در مقابل، گاه به کودک یا نوجوانی می‌رسید. مباحثات علمی و فقهی که در حضور خلفای عباسی صورت می‌گرفت و حضور امامان کم‌سن و سال شیعه و یا حتی دختران نوجوان (مجلسی، ۱۳۶۴، ۱۵-۶ ضمیمه)، در برابر علمای مسن اهل سنت در این مجالس، خود می‌تواند نمادی از تقابل با سنت باشد. چنین مسئله‌ای از آن جهت در امور صنفی مهم است که مسئله‌ی آموزش مبتنی بر استاد- شاگردی، به گونه‌ای حیاتی نیازمند اهمیت بخشی به نقش و شخصیت کودک می‌باشد (در تقابل با نقش جنگ‌آوری). بطور مثال سودآور از قول قاضی احمد قمی خاطرنشان می‌کند که کمال‌الدین بهزاد در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و بعد تحت سرپرستی آقامیرک به کمال رسید (۱۱۵ و ۱۹۹۲ و Soudavar).

علاوه بر این، اهمیت بخشی به نقش زن در کنار نقش مادری از تاکیدات تشیع محسوب می‌شود. در نزد اعراب، زن تا زمانی که مادر نشده بود دارای اهمیت و ارزشی درخور نبود (زیدان، ۱۳۵۲، ۶۵۷). در مقابل، تشیع به پیروی از پیامبر(ص)، در احترام به دختر خردسال خویش<sup>21</sup>، اهمیت و اعتبار نقش امامت را متکی به نقش فاطمه(س) می‌نماید. مضاف بر این، برجسته کردن نقش نسب مادری (که البته در میان اعراب مسبوق به سابقه بود) از دست‌آوردهای دیگر تشیع محسوب می‌شود. این مسئله از آن جهت مهم است که در نظام صنفی در بسیاری از مواقع زنان و دختران خانواده، جای پدر را در پیشبرد پیشه می‌گرفتند.

همین‌طور ارتقاء نقش و جایگاه موالی و غلامان را می‌توان در نزد اهل شیعه ملاحظه نمود. طرفداران مختار ثقفی را کیسانیه می‌گفتند؛ گویند کیسان نام یکی از غلامان علی(ع) بود (البغدادی، ۱۳۳۳، ۳۱). این مسئله علاوه بر اینکه تاثیر موالی و عناصر غیر عرب و بخصوص غیر ایرانی را بر تشیع می‌رساند؛ از طرف دیگر اهمیت عجم در نزد مذهب تشیع را نیز خاطر نشان می‌کند. می‌دانیم که قیام مختار متکی به موالی ایرانی بود، تا آنجایی که حتی اشراف شیعی عرب هم قیام او را یک قیام عربی نمی‌دانستند (شهیدی، ۱۳۸۴، ۱۹۵).

در حالی که در سنت قبایلی عرب، افراد غیر، نقشی در مسائل اساسی نداشتند، در سازوکار صنفی، پذیرش افراد، خارج از حیطه‌ی قبیله‌ای و خویشاوندی، رمز تداوم نظام آموزشی و تربیتی بود؛ حتی یکی از روش‌های تربیت صنعتگر، به‌کارگیری و آموزش غلامان و زندانیان بود (Diba & Ekhtiar, ۱۹۹۸, ۵۴). به روایت قاضی احمد قمی، سیاوش بیگ- نقاش دربار شاه طهماسب- یک غلام گرجی بود که شاه وی را از کودکی به نقاشخانه سپرد تا نزد مظفرعلی نقاشی کند (قاضی احمد منشی قمی، ۱۳۶۰، ۱۰۶).

تاکید بر مفهوم **محبت** (که از اصول مذهب تشیع محسوب می‌شود) به‌جای روابط خشن قبیله‌ای، از همان دوران خود پیامبر(ص) آغاز شده بود<sup>22</sup>. بعد از وفات پیامبر و بازگشت دیگر باره‌ی روابط قبیله‌ای، این مذهب تشیع بود که با اهمیت بخشی به مقوله‌ی رافت و رحمانیت، در قالب مفاهیمی چون **تولی و تبری**، باعث قوام روابط درون گروهی و خویشاوندی گردید. معنای "بیت" که در سده‌های بعد فتیان در آن تجمع می‌کردند (آژند، ۱۳۹۱، ۱۵۰) می‌رساند که تا چه اندازه اعضا به روابط مبتنی بر صمیمیت و بازتولید روابط خانوادگی اهمیت قائل بودند. گزارش‌های متعددی که از دوره‌ی ایلخانان به بعد درباره‌ی هنرمندان کارگاه‌های سلطنتی وجود دارد، گواه این است که هنرمندان و خانواده‌هایشان اغلب در مجموعه‌ی دربار و در یک مکان اسکان داده می‌شدند (آژند، ۱۳۹۱، ۱۱۹؛ ۵۹، ۱۹۹۸، Diba & Ekhtiar). بی‌شک چنین قرباتی به هرچه هماهنگ‌تر شدن اعضای کارگاه‌ها کمک می‌کرده است. اوج این هماهنگی را بی‌گمان در کارگاه و کتابخانه‌ی تیموری در دوران بایسنقر میرزا و سلطان حسین بایقرا میتوان ملاحظه کرد. امیر علیشیر و بایقرا علاوه بر رابطه‌ی خویشاوندی، نسبت برادرخواندگی نیز داشتند (۱۰۲، ۱۹۹۲، Soudavar)؛ نکته جالب توجه اینکه، عنوان شیخ( همان طور که ذکر شد در سنت قبائلی به معنای پیر و آقا بود) که تا پیش از این برای اطلاق به استادان نقاشی استفاده می‌شد، در این دوره به مولانا تغییر یافت(آژند، ۱۳۹۱، ۲۰). اغلب هنرمندان در این زمان همدیگر را با چنین القاب گران‌مایه‌ای خطاب قرار می‌دادند.

**۵-۲- رویکرد مبارزاتی و حق‌طلبانه و دستگیری از ستم‌دیدگان؛ بی‌گمان عدالت یکی از مفاهیم اولیه‌ی و بنیادین تشیع بوده است.** اغراق نیست اگر گفته شود که چنین مفهومی محور و منشا تمام مفاهیم دیگر این مذهب می‌باشد. اگر از اختلافات جزئی پدید آمده‌ی پس از وفات پیامبر(ص) بگذریم (که به سادگی رفع شدند)، بی‌گمان مهمترین چالش مسلمانان مطالبات حق‌طلبانه‌ی علی(ع) و شیعیان وی بوده است. در عمده‌ی قیام‌های سده اول هجری بر ضد بنی‌امیه، نقش اصلی را هاشمیان و شیعیان آنها بر عهده داشتند. بعدها نیز در مهمترین قیام‌های صورت گرفته بر علیه خلافت عباسی، بار اصلی بر دوش شیعیان و موالی عجم بوده است.

چنین رویکرد مبارزاتی، به گونه‌ای ضروری به ویژگی جدانشدنی گروه‌های فتیانی تبدیل گردید. اما در این میان، اصناف و حرف نیز بیرون از این دایره نبودند. اگر از قیام عیاران و پیشه‌وران به رهبری یعقوب لیث و نیز پیشه‌وران خراسان به رهبری شیخ حسن جوری بگذریم؛ در دوره تیموریان قیام‌های متعددی با اتحاد اصناف بر علیه ظلم و تبعیض صورت گرفت که گزارش برخی از آنها در منابع آمده است(کیوانی، ۱۳۹۲، ۹۰). حسن روملو روایت می‌کند که در زمان صفویان اصناف تبریز با همراهی برخی گروه‌های شبه عیاری بر علیه الله‌قلی‌بیک استاجلو شوریدند( همان، ۱۵۵). همچنین می‌توان ارتباطات روشنی را در هم‌نشینی برخی هنرمندان کارگاه‌های درباری صفوی با طبقات فرودست اجتماع، با روحیه عدالت‌طلبانه‌ی آنان یافت.

### ۳- افول سنت کار گروهی

کارگاه و کتابخانه‌ی هرات پس از برقراری دولت صفویان نیز به کار خود ادامه داد؛ با وجود این، سنت کار گروهی - درست پس از تثبیت حکومت صفوی و از اواخر سده‌ی دهم هجری - دچار افت چشمگیری شد (پاکباز، ۱۳۸۶، ۱۱۹)؛ اگرچه بنا به گواهی اسناد، نظام فعالیت صنفی و نیز کار گروهی در بیوتات درباری، تا دوران مشروطیت ادامه داشت با این حال، این کارگاه‌ها هیچ‌گاه در نظم و هماهنگی و نیز کیفیت و کمیت تولیدات به پای دوران تیموری و نیمه اول صفوی نرسیدند. در دلایل این رکود عوامل متعددی را می‌توان بر شمرد؛ از عدم علاقه‌ی برخی شاهان به هنر گرفته تا انحطاط ذوق و سلیقه عالی و فراگیر شدن ذائقه‌ی عوام. با این حال می‌توان شواهدی را ارائه داد که طی آن سیاست‌های غلط حکام صفوی در گستراندن نوعی دیوان‌سالاری توسعه‌یابنده در عرصه‌های مختلف اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و حتی هنری و تخریب بافت اجتماعی دیرین - مبتنی بر گروه‌بندی‌های اجتماعی بر بنیان اعتقادات کهن - سبب‌ساز اصلی رکود و انحطاط سنت کار گروهی در تولید آثار هنری بوده است.

اگرچه پایه‌های دولت صفوی بر بنیان تصوف و طوایف و گروه‌های صوفی شکل گرفته بود، با این حال پس از تثبیت پایه‌های حکومت، حکام صفوی به گونه‌ای سازمان یافته به مقابله با - نه تنها تصوف، بلکه هرگونه گروه‌بندی اجتماعی مرکزگرایز پرداختند (۱۱۸، ۱۹۷۲، Nasr) و این مهم را به وسیله‌ی شبکه‌ی دولتی از سپاهیان، علمای درباری، و نیز صنوف سازمان یافته به انجام رساندند. دیوان‌سالاری اقتصادی جدید اگرچه از طریق نظارت و حمایت، فعالیت مراکز شهرستانی را رونق بخشید (شایسته‌فر، ۱۳۸۴، ۱۳۴) اما، سبب‌ساز برخی دخالت‌ها و رانت‌خواری‌ها و سوءاستفاده‌ها از پیشه‌وران و اصناف، توسط باشی‌ها و کلانتران گردید. انتخاب باشی‌ها (روسای بیوتات درباری که فعالیت اصناف تحت نظارت آنان بود) توسط حکومت، که اغلب هیچ نشانی از سلسله‌مراتب معنوی صنوف و گروه‌ها در گذشته نداشت، سازوکار آیینی و بنیان‌های اعتقادی گروه‌های اجتماعی را از میان برد، تا جایی که گاه حتی افراد غیر مسلمان به عنوان روسای اصناف (باشی) انتخاب می‌شدند.

ضربه‌ای که در سده‌ی ششم هجری تصوف حکومتی به جریان‌های خودجوش اجتماعی زد و آنها را به سازمان‌های غیراجتماعی و منفعل بدل کرد، در دوران صفوی کامل‌تر شد. تصوف از این پس تبدیل به خصلتی فردی شد و چهره‌ی خود را به عرفان تغییر داد (Ibid) گروه‌های فتنانی نیز هرچه بیشتر منش فردی پیدا کردند و با عناوینی چون "لوتی"، "اوباش و اجلاف" و "دشمن‌مندی"<sup>۳۳</sup> (کیوانی، ۱۳۹۲، ۱۵۵) - اگرچه هر از چندگاهی در حرکت‌های عدالت‌طلبانه‌ی ضد حکومتی دخالت داشتند اما، به هیچ عنوان بنیان‌های معنوی - اعتقادی و تربیتی سازمان‌یافته‌ی گذشته را باز- نیافتند.

کارگاه‌های درباری نیز از این نابسامانی درامان نماندند؛ اگرچه بیوتات سلطنتی با فراز و نشیب‌هایی در سرتاسر دوران صفوی و قاجار به کار خود ادامه دادند، ولی شواهد حاکی از آن است که رونق کار گروهی هیچ‌گاه به پایه‌ی آنچه

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که در دوران تیموری جریان داشت، نرسید. قاضی‌احمد قمی درباره‌ی رضا عباسی نقل می‌کند که: «به عنایت کاهل طبیعت افتاده و اختلاط نامردان و لوندان اوقات او را ضایع می‌سازد و میل تمام به تماشای کشتی‌گیران و وقوف در تعلیمات آنان دارد» (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۵، ۱۵۰). همین‌طور اسکندر بیک ترکمان اعتقاد دارد که حتی الطاف شاهانه‌ی ضل‌الهی هم در گرایش وی به «اطوار ناهنجار و کناره گرفتن وی از ارباب استعداد و الفت وی با کشتی‌گیران» تاثیری نداشته است (اسکندر بیک منشی، ۱۳۵۰، ۱۵۰).

نظیر چنین رفتارهایی را مکرراً در منابع مربوط به دوران صفوی می‌توان مشاهده نمود. میرعماد قزوینی نیز مانند رضا عباسی به کشتی‌گیران و گروه‌های صوفیه گرایش داشت و شاید به همین سبب به قتل رسید. صادقی بیک افشار گاهی آواره دشت و بیابان می‌شد و گاه با طبقات فرودست حشرو نشر داشت (به نقل از آژند، ۱۳۹۱، ۱۱۰). باز در گلستان هنر می‌خوانیم که عبدالله مذهب از کار دربار کناره گرفت و فراش آستان قدس شد (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۵، ۱۸۶). علاوه بر این، برخی اصول اخلاقی و موازین تربیتی گذشته چون امانت‌داری نیز سست گردیده بود؛ شاه عباس، محمد علی بیک جبادار را به سبب جعل مهر سلطنتی از کتابداری برکنار کرد (آژند، ۱۳۸۲، ۹۰).

اگرچه گرایش هنرمندان به برخی گروه‌های خارج از دربار در گذشته هم سابقه داشته است<sup>۲۳</sup> با وجود این، چنین رفتارهایی در نیمه‌ی دوم دوران صفوی به گونه‌ای چشمگیر فزونی می‌یابد. سودآور اعتقاد دارد که از آنجایی که کشتی‌گیری و ورزش‌های زورخانه‌ای از دیرباز با گروه‌های فتیانی و متصوفه پیوند داشته است، در نتیجه تمایل کسانی چون رضا عباسی، میرعماد و آقامیرک به این گروه‌ها، به جهت تمایل آنان به عقاید صوفیانه بوده است (۲۷۲، ۱۹۹۲، Soudavar). تمثال‌های فراوانی که رضا عباسی از درویشان ترسیم نموده است، خود می‌تواند گواه این مطلب باشد.

به نظر می‌رسد فضای مملو از تنش دربارها و سست شدن روابط اخلاقی مبتنی بر بنیان‌های اعتقادی در میان هنرمندان از یک طرف، و زیاده‌خواهی و سوءنیت حامیان و حاکمان نسبت به هنرمندان از طرف دیگر، سبب‌ساز گرایش هنرمندان به برخی گروه‌های اجتماعی خارج از دربار می‌شده است. گروه‌هایی که به گونه‌ای غیررسمی و به نحوی ابتکاری، روابط مبتنی بر عوالم معنوی و اعتقادی را در درون خود بازتولید می‌کردند.

همچنین سنت همبستگی درون گروهی و حمایت از هم نوع، از این پس راه افراط پیمود و به انحصار خانواده‌ها درآمد؛ اگرچه در بکارگیری شاگرد، از دیرباز اولویت با فرزند و سپس برادرزاده‌ها بود، اما در این دوره به تدریج این حلقه تنگ‌تر شده، به طوری که مشاغل و حرفه‌ها و پیشه‌ها با اصول ثابت و تغییرناپذیری بین ساکنان یک شهر تقسیم می‌گردیده است (شمیم، ۱۳۸۷، ۳۸۳). ازدواج‌های درون صنفی رونق بیشتری گرفت و صنوف که زمانی پیوندهای تنگ‌تنگی در همیاری با یکدیگر داشتند آنچنان از هم جدا شدند که حتی رنگ و نوع پوشش و کلاه و دستارشان نیز متفاوت گردید (همان، ۳۸۴). این معنی را می‌توان از زنجیره‌ای از خانواده‌های هنرمند در دوران زند و قاجار دریافت. خانواده‌هایی چون غفاری در کاشان، وصال در شیراز و اصفهانی و امامی در اصفهان (۵۵، ۱۹۹۸، Diba & Ekhtiar)، عملاً انحصار تولید آثار هنری در شاخه‌های مختلف را به دست گرفته بودند.

یکی از نتایج سست شدن نظام کار گروهی، روی آوردن هنرمندان به تولید اقلام هنری کوچک اندازه چون قلمدان و تک نگاره بود (Ibid, ۵۲)؛ از آن رو که تولید نسخه‌های خطی نفیس، نیازمند هماهنگی و همکاری تنگاتنگی می‌باشد که گویا دیگر این امکان از بین رفته بود؛ از آخرین نمونه‌های همکاری به شیوه‌ی استاد- شاگردی در تهیه و اجرای یک نسخه خطی نفیس، می‌توان به هزارو یک‌شب اشاره کرد که زیر نظر صنایع‌الملک به انجام رسید. از این پس، نظام کارگاهی استاد- شاگردی که سده‌های طولانی توانسته بود با جذب و ادغام نیازها و اصول اعتقادی قاطبه مردم به درجه بالایی از کارآمدی برسد، در نظام نوین آموزش دانشگاهی ادغام گردید.

### 3. راهکارهای پیشنهادی در جهت احیای کار گروهی، با تکیه بر مدیریت و کار تیمی و صنفی

در سال ۱۳۰۲ قانون تعاونی‌های جدید در حالی تصویب شد که جامعه از تحقیقات و مطالعات درباره یاریگری‌های سنتی و نظام‌های صنفی گذشته خالی بود (فرهادی، ۱۳۸۵، ۳۱) و در دهه‌های پس از آن، زمینه و محیط مناسبی برای تقلید کورکورانه از تعاونی‌های رسمی فرنگیان ایجاد شد و محیط را برای پیدایش داوری درباره روحیه‌ی تک‌روی ایرانیان فراهم آورد (همان). با برملا شدن عدم کارایی شرکت‌ها و تعاونی‌های رسمی و ناتوانی آنها در دستیابی به اهداف مورد نظر کم‌کم عده‌ای به انتقاد از این تعاونی‌ها پرداختند و لزوم توجه به مطالعه‌ی تعاونی‌های سنتی و رمز و راز موفقیت آنها را گوشزد کردند (همان، ۳۲).

دلیل عدم کارایی این موسسات را باید در دستوری بودن آنها و اینکه تحولی بودند از فراز به فرود بوده اند، دانست (آژند، ۱۳۸۵، ۹۵). تحقیقات مرتبط با تیم مکرراً نشان داده است که صرف‌گردد هم آوردن افراد به انجام وظایف به هم وابسته، به طور خودکار منجر به عملکرد تیمی اثربخش نمی‌شود (تسلیمی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۳۱)؛ در واقع تعاونی‌های مزبور مجموعه‌های برساخته بر اساس قوانین جدید وارداتی بودند که به هیچ وجه روابط درون گروهی و ارگانیک اجزای آنها در نظر گرفته نمی‌شد؛ «فکر اساسی شرکت‌های این چنین مبتنی بر این بود که افراد، خود برای همکاری گرد هم آیند و لیکن این گردهمایی و همکاری، از بالا و توسط دولت القا می‌شد و فرض بر این بود که وقتی این همکاری قوام بگیرد دولت پای خود را از میان می‌کند، لیکن از آنجایی که این شکل همکاری و تعاون بیگانه است نتوانسته و (نمی‌تواند) جای همکاری‌های سنتی را بگیرد و پای دولت در آن سخت گیر کرده است... و تنها راه این است که شکل‌های همکاری سنتی از نو احیا گردد» (حسین ملک، به نقل از فرهادی، ۱۳۸۵، ۱۱۶).

البته قابل ذکر است که تلاش برای احیای ساختارهای اقتصادی گذشته یا تلاش برای ایجاد ساختارهای جدید بر پایه الگوهای سنتی، به هیچ وجه به معنای تایید یا ستایش آنها به عنوان الگوهای بی‌عیب نیست و این نباید نوعی کهنه پرستی تفسیر شود، بلکه همانگونه که نتایج تحقیق گویای آن است و بنا به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، جامعه ایران هنوز هم بعد از گذشت نزدیک به یک قرن از ورود به دنیای مدرن، همواره شکل‌های سنتی از روابط اقتصادی و اجتماعی خود را بازتولید می‌کند (پیران، ۱۳۸۴، ۱۶۱) و هنوز در بسیاری موارد ساختارهای قدیمی کار می‌کنند.

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش اول مبنی بر جمع‌گرایی ایرانیان در سطح فرهنگ ملی و مباحث مبنی بر اینکه این جمع‌گرایی و همکاری در بهترین حالت درون نظام‌های خاص صنفی با ابعاد خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌پذیرد، می‌توان به تبیین راهکارهایی برای ارتقای سطح همکاری‌های تیمی و مدیریت کارآمد تولید با ابعاد زیر اقدام کرد:

**الف. به کارگیری تیم‌های فعال خودجوش:** مراکز تصمیم‌گیرنده باید به جای راه‌اندازی و مدیریت تیم‌ها و شرکت‌های برساخته اقدام به شناسایی و حمایت از تیم‌هایی بکنند که به طور طبیعی و به صورت خودجوش - و بر بستری از همکاری و هم‌یاری (یارگیری) - پدید آمده‌اند؛ به طور طبیعی، کار تیمی با انسجام عناصر ساختاری، فرهنگی و رفتاری شکل می‌گیرد (تسلیمی و دیگران، ۱۳۸۹؛ ۱۳۰). از آنجایی که کار تیمی متکی به ملزوماتی است که به گونه‌ای خودکار در بسترهای طبیعی اجتماعی شکل می‌گیرد، بنابراین حمایت و به کارگیری تیم‌های خودساخته و خودجوش می‌تواند از هدرروی بسیاری از سرمایه‌ها کمک کند (همان، ۱۳۱). متولیان می‌توانند بسیاری از تیم‌ها و گروه‌های موفق را در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها بیابند، به طور معمول نمایشگاه‌ها مکان خوبی برای شناسایی تیم‌های موفق است علاوه بر این می‌توان در سطح مراکز آموزشی مانند دانشکده‌ها و مدارس نیز تیم‌های موفق را رصد کرد؛ نکته حائز اهمیت اینکه متولیان امر باید از به کارگیری و تشویق تیم‌های تک نفره تولید - که معمولاً به صورت استعداد‌های درخشان در جشنواره‌ها پدیدار می‌شوند - تا حد امکان بپرهیزند زیرا که این مسئله رقابت بین افراد را تشویق می‌کند که یکی از موانع عمده‌ی کار تیمی و گروهی است (همان). نکته‌ی دیگر اینکه متولیان امر تولید انیمیشن باید حتی الامکان از ادغام کردن تیم‌ها بپرهیزند، به طور معمول تصور رایج این است که ادغام کردن چند تیم کوچک در یک تیم بزرگتر، می‌تواند به افزایش تولید منجر شود؛ ولی همانطور که در بخش دوم این تحقیق مشخص شد شکل‌گیری و دوام تیم‌ها و گروه‌ها و صنوف متکی به نوعی هویت درونی است که بر روی ارزشهای درون‌گروهی بنا شده است، ادغام این تیم‌ها می‌تواند هویت و در نتیجه کل تیم را از هم بپاشد و اعضای گروه را که بنا به تعریف تیم، ضرورتاً با توانمندی‌های مکمل کنار هم گرد آمده‌اند را متفرق سازد (همان، به نقل از کتزن باخ و اسمیت، ۱۳۰).

**ب. حمایت از رهبری تیم‌ها:** همان‌گونه که در بخش اول مقاله ذکر شد، در نظام صنفی و تیمی، رهبری از جایگاه مهمی برخوردار است؛ رهبری اثر بخش در اینجا، رهبری فرهمند و اخلاق مدار خواهد بود؛ این رهبری در دو سطح میانی (شامل رهبران تیم‌ها و مجموعه‌ها) و رهبران عالی (در سطح متولیان و مدیران ارشد فرهنگی) قابل بررسی است، در هر دو سطح باید تاکید بر رهبری اخلاق‌گرا و در عین حال متبحر در زمینه کار تولیدی باشد، از آنجا که فاصله‌ی قدرت یکی از مهمترین مولفه‌های تاثیر گذار بر کار تیمی در ایران است، بدین ترتیب که تاثیر فاصله قدرت در سطح ارزش بر کار تیمی کم و در سطح رفتارها زیاد است، به عبارت دیگر ایرانیها در سطح رفتار، جویای کم شدن فاصله سلسله مراتبی هستند اما در سطح ذهنی و ارزش‌ها از رهبران با قدرت و کاریزمای زیاد رضایت بیشتری دارند (همان). بخش اول این مقاله هم به نحوی تاریخی چنین مدعایی را اثبات می‌کند به طوری که رهبران صنوف و کارگاه‌ها در

سطح رفتار با هم صنف‌ها و هنرمندان بسیار فروتن و افتاده معرفی می‌شوند ولی در سطح ارزش‌ها و ذهن از کاریزمایی دست نیافتنی برخوردارند.

ج. به رسمیت شناختن ارزشهای درون‌گروهی تیمها: همان‌گونه که در بخش اول این تحقیق ذکر شد، بسیاری از صنوف و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی بر پایه نوعی وحدت در عقاید به اتحاد و کار جمعی رسیده بودند؛ اعتقادات آنها اغلب با روایت‌های رسمی اعتقادی زاویه داشت، این زاویه تا زمانی که باعث تشتت اجتماعی نمی‌شد می‌توانست به انسجام درون‌گروهی و همکاری بیشتر مابین اعضا منجر شود که سازنده بود؛ به نظر میرسد که متولیان امر باید راهکارهایی را در جهت هر چه کمتر دخالت کردن در ارزشهای درون‌گروهی این تیم‌ها بیابند.

د. هویت بخشی به تیم‌ها: با توجه به مطالب مطرح شده ضرورتاً تیم‌ها و مجموعه‌ها دارای هویت‌های مستقل و ویژه-ای هستند که آنها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند، مسئولین و سیاستگذاران با بازشناسی این هویت‌ها و تمییز قائل شدن بین آنها، می‌توانند هر چه بیشتر به هویت پایدار و تحکیم‌کننده‌ی مجموعه‌های تولیدی کمک کنند

## نتیجه

در این پژوهش مشخص شد که آنچه که تاثیر تصوف و گروه‌های فقیانی بر شکل‌گیری و فعالیت اصناف شهری و کارگاه‌های درباری خوانده می‌شود، ریشه در بنیان‌های اعتقادی شیعه داشته است؛ در حقیقت مذهب تشیع با جذب و ادغام بسیاری از مطالبات و دغدغه‌های ایرانیان و بازتولید آنها در مجموعه‌ای از نظامات اجتماعی، اقتصادی و آئینی توانست در طول چندین سده بر بافت اجتماعی ایران اثر گذاشته و زمینه را برای اعتلای تمدن اسلامی در دوره تیموریان و اوایل صفوی آماده کند که نتیجه آن رشد کمی و کیفی تولیدات هنری در این دوره بوده است. با تثبیت حکومت صفوی و با تحمیل نوعی دیوانسالاری از طرف حکام و در مقابل، مبارزه با و تخریب گروه‌بندی‌های دیرینه‌ی مردمی، سنت کار گروهی دچار افت فزاینده‌ای شد، به طوری که علی‌رغم تداوم فعالیت‌های اصناف شهری و کارگاه‌های درباری در دو سده بعدی، تولیدات هنری هرگز نتوانست- نه در کمیت و نه کیفیت- به پایه گذشته برسد. پیشنهاد این پژوهش در جهت احیای همکاری‌های درون‌گروهی شامل: به‌کارگیری تیم‌های فعال خودجوش، حمایت از رهبری تیم-ها، به رسمیت شناختن ارزش‌های درون‌گروهی تیم‌ها و هویت‌بخشی به آنها می‌باشد

## پانویس

۱- Willem Floor

۲- Bernard Lewis



۳- Anna Kuzentsova

۴- Illya Pavlovich Petrushebesky

۵- Louis Massignon

۶- Henry Corbin

۷- به طور مثال دکتر مهرداد بهار، قیام کاوه آهنگر (با توجه به فرضیه‌ی ایشان که داستان فریدون را تنظیم شده در دوره اشکانی می‌داند) را، نوعی شورش کارگری بر بنیاد اصناف می‌داند (بهار، ۹۷، ۱۳۸۶). همین‌طور در پژوهش دیگری، ورزش زورخانه‌ای را در پیوند با آیین مهر می‌داند که بعدها بر فتوت تاثیر بسیار گذارد. (همان، ۲۰۵).

۸- به طور مثال خلیفه‌ی دوم در توصیه به اعراب می‌گوید: نسبِ نیاکان را به فرزندان یاد بدهید تا مانند نبطی‌ها نباشند که از هر کدامشان بپرسی فرزند کیستی پاسخ گویند اهل فلان ده هستیم. (به نقل از زیدان، ۱۳۵۲، ۶۷۰).

۹- همین محله بعدها مرکز فعالیت مخالفان شیعه‌ی حکومت شد. خود این مطلب به تنهایی نشان می‌دهد که فعالیت‌های مبتنی بر بازار چه ارتباط تنگاتنگی با جماعت شیعیان داشته است (Ibid).

۱۰- صنف در عربی و فارسی به معنای دسته و گروه است و معنایی مبهم دارد. حتی در مواردی به همه نوع از افراد (حتی افرادی بیکار و لاابالی) نیز، اطلاق می‌شده است (همان).

۱۱- اگر چه شاخه‌ای از فتوت که تحت نام "عیاران" شناخته می‌شود، شهری نبود.

۱۲- به طور مثال لشگر یعقوب لیث عموماً از عیاران تشکیل شده بود (زرین کوب، ۱۳۸۴، ۸۰). همین‌طور جنبش سربداران از میان پیشه‌وران شهری خراسان برخاست.

۱۳- این اشتیاق به باورهای شیعی در دوران تیموری را می‌توان در روایتی که کلاویخو در سفرنامه‌اش ذکر می‌کند ملاحظه نمود. وی می‌نویسد: هر زایری که به آنجا (مشهد) رفته باشد چون بازگردد، همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه‌ی قبای او را می‌بوسند... چون به این شهر رسیدیم، ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند... سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده‌ایم و آن مکان مقدس را دیده‌ایم. مردم همه می‌آمدند و لبه‌ی قبای ما را بوسه می‌زدند. به این بهانه که ما از گروهی هستیم که فیض زیارت مرقد و بارگاه قدیس بزرگ خراسان را درک کرده‌ایم. (کلاویخو، ۱۳۸۴، ۳-۱۹۲).

۱۴- گزارش شده است که حتی در زمان تاج‌گذاری شاه اسماعیل در تبریز، دو سوم جمعیت شهر بر مذهب اهل سنت بوده‌اند (صفا، ۱۳۶۳، ۱۳۲).

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

15- فهرست طولانی علمایی که در این دوره (ایلخانان و تیموریان) درباره‌ی عقاید شیعه رساله نوشته‌اند آنچنان طولانی است که گویا در یک جامعه‌ی شیعی می‌زیسته‌اند. کمال‌الدین میثم بهرامی، راضی‌الدین علی‌ابن طاووس، علامه حلی و سید حیدر آملی از جمله‌ی این علما هستند. برای اطلاعات بیشتر نک: (Nasr., ۱۹۷۲, ۱۱۵).

16- گویند ابوبکر صدیق حتی پس از رسیدن به خلافت نیز برای مردم شیر می‌دوشید. (زرین کوب، ۱۳۸۷، ۷۴). شاید به همین دلیل است که وی به همراه کسانی چون علی(ع) و سلمان فارسی، غالباً به عنوان پیر اهل فتوت واصناف محسوب می‌شده است.

17- سلمان فارسی مامور مداین، ماوراءالنهر و خراسان، ابوالمہجن مامور یمن، عدن و هندوچین، سهیل رومی مامور روم و آذربایجان و داوود مصری مامور مصر.

### Shuan -18

19- صادقی بیک افشار در نصیحت به فرزند (در رساله‌ی خویش قانون الصور) می‌گوید: از استادان تصویر، تعلیم و فراگیری این فن را جستجو مکن. آنها حتی این کار را از فرزند خود نیز دریغ می‌دارند. (به نقل از آژند، ۱۳۹۱، ۱۱۱).

20- مهمانان در واکنش به این مسئله خنده‌کنان از جای برخاستند و به ابی‌طالب گفتند: محمد دستور می‌دهد که فرمانبردار پسرت باشی. (زیدان، ۱۳۵۲، ۲۲).

21- عایشه بعدها تصدیق نمود که محبوب‌ترین‌ها نزد پیامبر، از زنان فاطمه(س) و از مردان علی(ع) بود (زرین کوب، ۱۳۸۷، ۷۵).

22- به طور مثال محمد(ص) در برابر اعتراض صحابه در بخشش فراوان به بنی‌امیه (پیرو سنت مولفه قلوبهم) می‌فرماید: آیا این برای شما برتری نیست که با پیامبر خدا به خانه‌هایتان می‌روید و آنها با شتر و گوسفند به منزل خود می‌روند. (زیدان، ۱۳۵۲، ۳۸).

۲۳- به نظر می‌رسد عنوان اخیر از دو واژه‌ی "دش" (در ترکی به معنای سنگ) و "مشدی" (شکل تلفظ ترکی کلمه‌ی مشهدی) ترکیب یافته است. در دوره تیموری اهل تصوف و عرفان سنگی کوچک را گردن‌آویز خود می‌نمودند که علامت خاکساری و افتادگی بود و محتملاً تشابهی هم با سنگ لحد داشت (نگارنده).

۲۴- در دوره تیموری هم برخی از هنرمندان چون آقامیرک به کشتی‌گیران و وزنه‌برداران علاقه نشان می‌دادند(-). (soudavar, 1992, 102).

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

## فهرست منابع

- ابن بطوطه (۱۳۵۹)؛ سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد (جلد اول)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. چاپ اول
- آژند، یعقوب (۱۳۸۲)؛ **علی‌قلی‌بیک جبادار - کتابدار**، تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره شانزدهم، صص ۹۲-۸۳
- آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، **از کارگاه تا دانشگاه**، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، ش ۲۶
- آژند، یعقوب (۱۳۹۱)؛ **از کارگاه تا دانشگاه**، تهران، موسسه تالیف ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، چاپ اول
- اسکندیبیک ترکمان (۱۳۵۰)؛ **تاریخ عالم‌آرای عباسی**، به کوشش ایرج افشار (جلد یک)، تهران، انتشارات امیرکبیر
- افشار، ایرج، زیر نظر هانری کربن (۱۳۸۳)؛ **آیین جوانمردی**، ترجمه احسان نراقی، تهران، انتشارات سخن
- البغدادی، ابومنصور عبدالقاهر (۱۳۳۳)؛ **تاریخ مذاهب اسلام (یا ترجمه الفرق بین الفرق)**، به کوشش محمد جواد مشکور، تبریز، کتابخانه‌ی حقیقت
- الشیخلی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲)؛ **اصناف در عصر عباسی**، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- بهار، مهرداد (1386)؛ **جستاری در فرهنگ ایران**، تهران، انتشارات اسطوره، چاپ دوم
- پاکباز، رویین (۱۳۸۶)؛ **نقاشی ایران از دیرباز تا امروز**، تهران، انتشارات زرین و سیمین، چاپ ششم
- پیران، پرویز (۱۳۸۶)، **تحلیلی از وضعیت علوم اجتماعی در ایران**، تهران، سالنامه اعتماد
- تسلیمی و دیگران (۱۳۸۹)، **مدل اثرگذاری فرهنگ ملی بر کار تیمی در ایران**، نشریه علمی- پژوهشی راهبرد فرهنگ، سال سوم، ش ۱۰-۱۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸)؛ **از یورش مغولان تا زوال ترکمانان**، تهران، موسسه فرهنگی دانش
- خزایی، محمد (۱۳۸۷)، **جایگاه اصناف فتوت در ایران**، کتاب ماه هنر، شماره ۲۱، صص ۲۱-۱۸
- زرکوب، نجم‌الدین (۱۳۶۳)؛ **رسائل جوانمردان**، تصحیح مرتضی صراف با مقدمه هانری کربن، تهران
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)؛ **تصوف ایرانی در منظر تاریخی ایران**، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷)؛ بامداد اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم

زیدان، جورجی (۱۳۵۲)؛ تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم

شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴)؛ هنر شیعی، تهران، موسسه‌ی مطالعات هنر اسلامی

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷)؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات زریاب، چاپ چهارم

شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۴)؛ تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سی و هفتم

صفا، زبیب الله (۱۳۶۳)؛ تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات فردوسی

عالی افندی، (۱۳۶۱)؛ مناقب هنروران، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، انتشارات سروش

فرهادی، مرتضی (۱۳۸۵)، فرهنگ یادگیری در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ج ۱.

قاضی احمد قمی (۱۳۶۰)؛ گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، کتابخانه منوچهری، چاپ سوم

کالج، مالکوم (۱۳۹۱)؛ اشکانیان، ترجمه رجب‌نیا، تهران، انتشارات هیرمند

کلاویخو (۱۳۸۴)؛ سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم

کیوانی، مهدی (۱۳۹۲)؛ پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عصر صفوی، ترجمه یزدان فرخی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول

ماسینیون، لویی (1368)؛ سلمان پاک، ترجمه علی شریعتی، تهران، انتشارات بی‌نا بی‌تا

مجلسی، علامه محمدباقر (1364)؛ حلیه‌المتقین؛ در آداب و سنن اسلامی و اخلاق و دستورات شرع مطهر نبوی، تهران، موسسه انتشارات فراهانی

مردانوف، یزدان‌علی (۱۳۸۷)؛ هنر و فرهنگ کتاب و کتاب‌سازی در دوران تیموری، کتاب ماه هنر، شماره ۱۱۷، صص ۴۸-۴۶

میر جعفری، حسین (۱۳۸۱)؛ تاریخ تیموریان و ترکمانان، تهران، انتشارات سمت

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- Ariès, Philippe (1962); **Centuries of Childhood, A social History of Family** (R. Baldick trans.), New York Knopf.
- Canby, R. Sheila (1999); **the Golden Age of Persian Art**; British Museum Press. 1th ed.
- Diba, Leyla and Ehtiar, Maryam(1998); **Royal Persian Painting; The Qajar Epoch.** 1.B Touris Publication and Brookline Museum of Art. New York
- Lassner. J(1970); **Islamic City.** Ed. By Hourany and Stern, Ney York
- Soudavar, Abolala(1992); **Art of The Persian Courts,** New York, Rizzoli International Publication
- Nasr, Seyed Hossein(1972); **Shi'ism And Sufism, Their Relationship in Essence And in History;** in The Book: **Sufi Essays.** State University of New York Press. 1th ed.
- Thackston, W(2001); **Album Preface And Other Documents on The History And Calligraphers And Painters.** Leiden Brill